

گزارشی از مراسم یادمان کشتار دهه ۶۰

بیستمین سال کشتار زندانیان سیاسی ایران، ۱۹ تا ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۸، مونترآل کانادا

بهرام قدیمی

از من هم دعوت شده بود تا در مراسمی که به مناسبت بیستمین سال کشتار زندانیان سیاسی در ایران برگزار می شد، سخن بگویم. طبیعی ست که از چند و چون قضایا پرسیدم تا بدانم که محتوای برنامه چیست و چه کسانی در سازماندهی آن شرکت دارند. برخی از رفقا را از نزدیک می شناختم و برخی دیگر را نه. پذیرفتم و قرار و مدار گذاشتیم. چندی بعد، در برخی سایت ها مطالبی خواندم که باعث نگرانی می شد. آیا واقعاً عوامل جمهوری اسلامی داشتند چنین برنامه ای برگزار می کردند؟ تلفن ها و پرس و جوها آغاز شد ولی تصمیم من عوض نشد.

روز جمعه ۱۹ سپتامبر عازم شدم. تا از فرودگاه به محل جلسه برسم، برنامه آغاز شده بود. اواخر قسمت اول برنامه رسیدم، اواخر تأثر.

جمعه ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۸

قسمت اول برنامه از این قرار بود:

– خانم لوزنک Lousnak: نقاش، مجسمه ساز، خواننده و ترانه سرای ساکن مونترآل. لوزنک در بیروت دنیا آمده و یک سال داشته که خانواده اش از جنگ لبنان گریخته اند..

– فیلم کوتاه «نام های سرخ ساخته امین ضرغامی و شهرزاد ارشدی. موضوع این فیلم سرگذشت هزاران زنی ست که بین سال های ۱۹۷۹ و ۱۹۹۹ به خاطر فعالیت های سیاسی، اجتماعی، ویاورهای مذهبی خود جان دادند.

– آواز شیرین مهرید: زندانی سیاسی سابق و هنرمند

– خورشید خانوم: گروه رقص ایرانی، مونترآل. کوروگرافی و کارگردانی کار این گروه که در سال ۱۹۸۸ تأسیس شده، به عهده خانم آرام بیات است.

– گروه لولی. این گروه که از آلمان آمده بود، ترانه هائی را بر اساس اشعار زندانیان سیاسی ارائه داد.

– «دریا...»، نمایش از حسین افصحی. موضوع این کار نمایشی که بر اساس متونی از مینا اسدی و احمد شاملو تهیه شده بود بازماندگان قتل عام سال ۱۳۶۷ بود و داستان گورستان «خاوران».

– شعر خوانی سعید یوسف، شاعر، ترانه سرا، و نقاد ادبی.

در قسمت دوم، برنامه این گونه بود:

– گروه لولی

- خوشید خانوم: با سلسله ای زیبا و سمبلیک از رقص، نور و عکس، نوید فردائی زیبا می داد. شرکت جوانان در این گروه پیام آور شرکت نسل دوم و سوم ایرانیان خارج از کشور در فعالیت های سیاسی و فرهنگی بود.

- شعر خوانی خانم دانیل اونه (مونترآل) به زبان فرانسه.

- شعرخوانی مجدد سعید یوسف، سالن را در سکوتی مطلق نگاه داشت.

- شیرین مهربد پایان زیبای این شب را تضمین کرد.

شنبه ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۸

صبح:

برنامه با کمی تاخیر آغاز شد.

- حسن پویا، که عضو کانون خاوران در تورنتو و یکی از بنیانگذاران آن است، همراه با نمایش اسلاید در مورد گورستان خاوران سخن گفت. نکات جالب بحث او از این قرار بود:

۱- خاوران اگرچه معروفترین گورستان دسته جمعی در ایران است، ولی تنها یکی از این گورستان هاست.

۲- فرآیند فعالیت های خانواده های اعدام شدگان باعث شده که درد مادران، فرزندان و خانواده ها از يك امر خصوصی به يك امر اجتماعی و جمعی بدل شود. این فرآیند از آن جا شروع می شود که هر کس در جستجوی گور فرزند خود، با هرچه در دست داشت زمین را شخم می زد و به آن جا خاتمه می یابد که خانواده ها، سراسر خاوران را گلباران می کنند، و عکس های عزیزانشان را در کنار هم قرار می دهند: یعنی همه این افراد، عزیزان همه خانواده ها هستند. عین همین امر را در آرژانتین شاهدیم، وقتی مادران میدان مه عکس فرزندان خود را به گردن آویزان می کنند و دور میدان راه می روند، به آن جا می رسد که دیگر هیچ کس عکس فرزند خود را حمل نمی کند و به جای آن عکس فرزند کس دیگری را به همراه دارد و دست آخر همه بدون عکس راه می روند و کلیه عکس ها را در کنار هم می گذارند.^(۱) این عمل در هر دو مورد، تبدیل شدن امری فردی ست به يك فرآیند کلکتیو و جمعی.

۳- نکته بسیار مهم دیگر تغییر نسل ها است. اگر در سال های اول فقط خانواده ها، بخصوص مادران و پدران اعدام شدگان به خاوران می روند، در سال های اخیر ما شاهد حضور جوانانی هستیم که برخی حتی در دوران اعدام های دسته جمعی هنوز به دنیا نیامده بودند. این امر گویای این است که مبارزه علیه معافیت از مجازات و خواست عدالت به پرچم مبارزه نسلی بدل می شود که تمام طول عمر خود را زیر بمباران تبلیغاتی رژیم بسر برده اند، و ظاهراً می بایستی تحت تأثیر تبلیغات آنان باشند. به علاوه امر اعدام ها از جستجوی خانوادگی و شخصی به يك فعالیت سیاسی تبدیل می شود و اعدام شدگان به سمبل سیاسی بدل می شود که خاطره شان را باید زنده نگاه داشت.

- خانم به آتریس واگران، رئیس بخش کانادائی سازمان عفو بین الملل، در باره کشتار زندانیان سیاسی در ایران و چگونگی حمایت سازمان عفو بین الملل و امکانات آن سخن گفت.

بخش بعدی برنامه میزگردی بود که در آن بازماندگان کشتارهای دسته جمعی سخن گفتند:

۱- شهرهء کیا با تأکید بر هویت سیاسی زندانیان، از خاطراتش از زندان سخن گفت و کارهای دستی اش را از زندان در يك ویدئوی کوتاه، زیبا و مؤثر نشان داد.

۲- «تاریک خانه» موضوع سخنرانی خانم ستارهء عباسی بود. او با کلامی شیوا از به چالش گرفتن مرگ در زندان آغاز کرد و سخنانش را به خاطرهء دردناک خودکشی ناموفق یکی از هم سلولی هایش در زندان اهواز ادامه داد. سالن يك پارچه اشک بود، همدردی و تأثر خاطر. دیگر برای کسی تاب ادامهء برنامه نماند. به گونه ای که مجری میزگرد، با اشاره به این موضوع به درستی خواهان قطع برنامه و هواخوری شد.

۳- سودابهء اردوان که با نقاشی های خود در زندان، مانند عکاس ماهری لحظات را جاودانه کرده است، در مورد کارهایش و شرایط لحظاتی که آن ها را تصویر کرده بود سخن گفت.

۴- محبوبه، زندانی سیاسی سابق نیز از زندان حرف زد و از همسر اعدام شده اش، منصور نجاتی. او که در هنگام دستگیر شدنش هفت ماهه حامله بود، در زندان فرزندى دنیا آورده است. او از احساس داشتن فرزند در زندان، بازی های کودک در بند و در راهرو زندان و چگونگی تحویل وی به مادرش سخن گفت.

بعد از ظهر:

- پیام اخوان، وکیل مدافع و استاد دانشگاه مك جیل در مورد دادگاه های بین المللی و امکان و راه های استفاده از آن سخن گفت. او که در مورد موضوع سخنرانی خود بسیار مسلط بود، از جمله شنوندگان را فراخواند تا با نوشتن نامه به نمایندگان مجلس آن ها را برای تعقیب جنایتکاران جمهوری اسلامی که به کانادا می روند، تحت فشار قرار دهند.

- شهرزاد مجاب در سخنرانی خود کتب مختلفی را که در بارهء زندان به نگارش در آمده اند به نقد کشید و نشان داد که چگونه در حوزهء آکادمیک، فرهنگ سیاسی ایران به طور کلی ندیده گرفته می شود.

- نمایش فیلم «درختی که به خاطر می آورد» ساختهء مسعود رئوف، و بحث و گفت و گو در بارهء آن با حضور مسعود رئوف، و افرادی که در این فیلم نقش داشتند، آخرین بخش برنامهء این روز بود. حضور مسعود رئوف، شیرین مهرد، شکوفهء سخی و رضا غفاری به درك هرچه بیشتر این فیلم و بحث روی تأثیر آن كمك کرد. این فیلم که از آن در برخی کشورها، از جمله مكزيك در کارگاه هائی که در مورد زندان و شکنجه برگزار می شود، مورد استفاده قرار می گیرد، در عین حال کوشش دارد جامعهء کشور میزبان زندانیان سیاسی سابق را به چالش بگیرد. این فیلم یکی از معدود کوشش هائی است که آشنائی و درك موضوع زندان، شکنجه و اعدام ها را برای مردم کشورهای دیگر ممکن می سازد.

يك شنبه ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۸

صبح:

برنامه با سخنان کوتاه مصطفی حناوی (جنبش همبستگی با فلسطین) در مورد سیستم

نژادپرستانه در اسرائیل آغاز شد و با نمایش فیلم زیبای «زنان در نبرد» ساخته بوتینا کنعان خوری Buthina Canaan Khoury ادامه یافت. این فیلم که معرف چهار زن مبارز و زندانی سیاسی سابق فلسطینی است، نشان می دهد همانقدر که مبارزه و اهداف آن در کشورهای مختلف بسیار به هم شباهت دارند، سرکوب مبارزین نیز همه جا، کم یا بیش شبیه هم است.

بخش بعدی برنامه میزگردی بود با شرکت فرزندان کسانی که جمهوری اسلامی آنان را به قتل رسانده. در این بخش استفان کاظمی (فرزند زهرا کاظمی مونترآل)، سعید عصمتی (فرزند رضا عصمتی آلمان) و زری دکنما [که پدر، عمو، و دو عمه او اعدام شده اند] از تجربیات خود به عنوان کسانی که والدین خود را از دست داده اند، سخن گفتند. این میزگرد نشان داد:

۱- فرزندان اعدام شدگان الزاماً با والدین خود هم‌منظر نیستند، و نمی توان تصور کرد که چون کسی فرزند یک اعدامی و یا زندانی سیاسی است، الزاماً خود فعال سیاسی باشد.

۲- باید در نظر داشت که برخی از فرزندان نه تنها مخالف خطوط سیاسی والدین خود هستند (که البته حق دارند به شیوه ای که خود درست می دانند فکر و عمل کنند)، بلکه اصولاً مخالف هرگونه فعالیت سیاسی اند. بنا بر این باید توجه داشت که آن چه علت دعوت برای سخنرانی توسط این افراد است، تنها این است که تجربه آن ها شنیده شود، و شیوه ای که آن ها نابودی خانواده های خود را زندگی کرده اند، و افکارشان با آن مشغول می شود، معرفی گردد. و برای درک چگونگی رفتار آن ها و شرکت احتمالی آن ها در جنبش آشنائی با این تجربیات لازم و ضروری ست.

۳- توجه به نسل جوان، نشانه آشکاری بود از این که برگزارکنندگان این همایش چشم به آینده دوخته اند، تأکیدی بود بر ادامه کار در نسل بعدی.

- نمایش فیلم آنتیگون. (به زبان فرانسوی)

بعد از ظهر:

تجربیات بین المللی.

- خانم ماری بوتی، از مرکز فیلم های مستند مونترآل در مورد زندانیان سیاسی فیلیپین سخن گفت. در این بخش او با نمایش فیلم کوتاهی در مورد زندانیان سیاسی در فیلیپین، ایرانیان را به حمایت از آن ها فراخواند.

- فلیسیتاس ترویه: عضو جمعیت مبارزه با شکنجه و معافیت از مجازات (Colectivo Contra la Tortura y la Impunidad-CCTI در مکزیک) از اهمیت مقاومت در زندان و پس از آن حرف زد. وی پس از آن که نشان داد مهمترین علت شکنجه، شکستن هویت زندانی ست، موضوع اهمیت این هویت را با مثال های مشخص از زنان زندانی در مکزیک نشان داد.

- بهرام قدیمی، با تأکید بر این امر که باید گامی به پیش نهاد و در جست و جوی راه حل و مبارزه فعال و مؤثر با سرکوب بود، به معرفی شیوه ای از مبارزه علیه معافیت از مجازات، تحت عنوان «پرده دری» (یا همان طور که در آرژانتین معروف است اسکرچه) پرداخت.

آخرین بخش برنامه میزگردی بود با مضمون های مختلف:

- شکوفه سخی، زندانی سیاسی سابق، تحقیقات خود را در رابطه با زندان و مقاومت زندانی معرفی کرد. وی کوشید نشان دهد که باید از تجربیات برای آینده نتیجه گرفت و نمی توان به آن چه گذشته است محدود ماند.

- ایرج مصداقی کوشید اثبات کند چگونه انسان قانع می شود شکنجه کند، و شکنجه در دیدگاه اسلام امری مثبت است، و اگر اسلام نبود در ایران این گونه شکنجه وجود نداشت.

- رضا غفاری با بررسی فتوا در ۱۵۰ سال گذشته و تحقیق در مورد اعدام شدگان زن، نشان داد وقتی جزئیات اعدام ها روشن شوند، عمق جنایات رژیم جمهوری اسلامی هنوز بیش از پیش برجسته می شود.

- عزت مصلی نژاد، از مرکز کانادائی قربانیان شکنجه، بحث خود را به تریبونال بین المللی علیه شکنجه گران اختصاص داد.

همزمان با این جلسات برگزار کنندگان در یکی از گالری های شهر مونترآل، نمایشگاهی از آثار زندانیان، «هنر در زندان» برگزار کردند.

آثار زندانیان سیاسی سابق؛ سودابه اردوان، شهره کیا، و چند هنرمند دیگر که نمی خواستند نامشان آورده شود (چون در ایران بسر می برند) از روز ۱۸ تا ۲۹ سپتامبر به نمایش در آمد.

به عنوان جمع بندی يك شرکت کننده:

البته مراسم خالی از موارد قابل انتقاد نبود:

به نظر می رسد در بعضی موارد روی دعوت از افراد مشخص به اندازه کافی تأمل نشده بود، و جایگاه و وظیفه آنان در مراسم تعریف شده نبود. این موضوع بخصوص در مورد مجریان صادق است. انتخاب مجری با تجربه در میزگردی که کنترل آن، چه به خاطر شرایط روحی و چه سیاسی افراد می تواند سخت باشد، امر بسیار مهمی است. روال کار می توانست این گونه باشد که مجریان با ارائه دلایل اهمیت موضوع و چرائی هر قسمتی، بحث را بازکنند و با جمع بندی از آن، گذار به بخش بعدی برنامه را روان تر نمایند.

انتقاد دیگری که بی شك به این همایش وارد است، عدم حضور حتی يك نفر بومی کانادائی، و یا دیگر شکنجه شدگان توسط دولت کانادا در آن است. برای من غیر قابل درك است که چرا در منطقه ای مانند کبک، که در آن بخصوص بومیان موهاک به شدید ترین شیوه ای مورد تعرض و نابودی قرار گرفتند، و مقاومت آن ها در سال های ۹۰ در قاره آمریکا معروف بود، به این همایش دعوت نشده اند. جا دارد که به همبستگی با ستمدیدگان جهان توجهی درخور داشته باشیم و در حد امکان از پوستهء محدود "ملی" خود بیرون آییم.

مهمترین نقطه ضعف این مراسم، عدم وجود يك «پایان» مناسب بود، يك اختتامیهء درخور. به نظر می رسد که برگزار کنندگان نتوانستند به توافقی دست یابند. قطعنامه ای که در سطح محدودی

پخش شده بود (و بعد در برخی نشریات انتشار یافت) حاوی نکات بسیار جالبی بود و به فرازهای مهمی برخورد می کرد، متأسفانه نه برای بحث در اختیار شرکت کنندگان قرار گرفت و نه حتی خود برگزار کنندگان از سوی خودشان چنین قطعنامه ای را قرائت کردند. پیشنهادی هم برای ادامه کاری طرح نشد. یعنی مثلاً پیشنهاد برای يك سمینار در مکانی دیگر، برای مثال با موضوعاتی از قبیل برخورد به آن ها که زیر شکنجه شکستند، توابین تاکتیکی، توابین داخل زندان و خارج زندان، همکاران رژیم (چه قبل و چه بعد از سرکوب ها)، کوشش برای یافتن عوامل مقاومت در برابر شکنجه؛ چرا برخی می توانند مقاومت کنند و برخی نه: چه فاکتورهائی در آن تأثیر گذارند؛ موضوع نسل های بعدی (چه در ایران و چه خارج از ایران)، و...

و سرانجام عدم ارائه يك جمع بندی.

حتی می شد با سرودی آخر جلسه نقطه گذاشت.

تا این جا از يك وجه برنامه گفتیم، اما نکات مثبت آن چه بود؟

برای من برگزاری مراسم یادمان رفقای زندانی و شهدای جنبش انقلابی کشورمان امر تازه ای نیست، با این حال اولین بار بود که چنین مراسمی به يك زبان غیر فارسی [انگلیسی و گاهی فرانسوی] برگزار می شد (یا تا حد امکان کوشش بر آن بود که به حضار غیر فارسی زبان نیز توجه شده، بحث ها برایشان ترجمه شود) و روی سخن با غیر ایرانیان بودند. طبیعی ست که با توجه به تجربیات ایرانیان در برگزاری مراسم به زبان های دیگر، محدودیت های زیادی در کار پیش آید (از جمله غیر حرفه ای بودن دستگاه های فنی و مترجمینی که با زحمت بسیار این وظیفه مهم را به عهده گرفته بودند. جا دارد من نیز به نوبه خود از آن ها سپاسگزاری کنم). با وجود این، یکی از مهمترین دستاوردهای این مراسم، همین توجه به غیر فارسی زبانان بود.

توجه به هنر و هنرمندان، بخصوص آنانی که سال ها در سیاهچال های جمهوری اسلامی اسیر بوده اند، امری نیست روزمره. ارج گذاری به کار این هنرمندان - ارج گذاری به روح مردمی در زنجیر- شاخص این همایش بود.

یکی از نکات بسیار آموزنده این همایش این بود که می توان مراسم یادآوری اعدام های دسته جمعی را، در کنار زنده نگه داشتن حافظه تاریخی، به مجمعی برای جستجوی راه حل نیز بدل کرد. طبیعی ست که هنوز خیلی راه مانده تا این کوشش ها به نتیجه ای برسد، با این حال و با توجه به برنامه های دیگری که به همین علت برگزار می شوند، مثبت است.

شرکت افراد متخصص در جمع سخنرانان، بدون توجه به آن که در پاسخ ها با آنان هممنظر باشیم، باعث رشد سطح بحث و گفتگو شد. هر يك از این افراد حامل تجربیاتی هستند که به نوبه خود حائز اهمیت است. توجه برگزارکنندگان به این امر نکته ایست بسیار مثبت و جا دارد کیان دیگری که در آینده چنین همایشی برگزار می کنند، به این نکته توجه ویژه ای داشته باشند.

اهمیت اختصاص يك بخش از همایش به بحث حول تجربیات بین المللی یکی دیگر از نکات بسیار مثبت این مراسم بود. این اقدام گامی ست فراتر از آن چه معمولاً انجام می شود که: «کشورهای دیگر از جنایاتی که بر ما رفته مطلع شوند». این جا روی اهمیت آموزش از تجربیات دیگران به روشنی و در عمل نشان داده شد.

با توجه به تمام آن چه گفته شد، بر این عقیده ام که برگزاری این همایش امری بسیار مهم و ارزیابی من از این همایش بسیار مثبت است. کار دوستان برگزار کننده بسیار ارجمند بود. خسته نباشند و امید که موفق و پایدار باشند!

مکزیک ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۸

(۱) - ن ک به مصاحبه با ا به د بونافینی، سایت اندیشه و پیکار

<http://www.peykarandesh.org/old/jonbesh/pdf/Hebe%20de%20Bonafin.pdf>